



بي چتر مي بايد دويد، در فصل خيس عاشقي

آن دم که خیاط ازل، پیرآهن سفید طبیعت را از هم می درد، بهار سبز با ردای خیس و بارانی اش، لبخند را بر لب سبزه های تازه رسته، جراحی می کند. صدای پای بهار، پرندگان نغمه خوان را مست کرد...

نوروز فارسی زبانان در آینه «جام جم آنلین»

بي چتر مي بايد دويد، در فصل خيس عاشقي

جام جم آنلین: آن دم که خیاط ازل، پیرآهن سفید طبیعت را از هم می درد، بهار سبز با ردای خیس و بارانی اش، لبخند را بر لب سبزه های تازه رسته، جراحی می کند. صدای پای بهار، پرندگان نغمه خوان را مست کرده و جشنواره رنگ ها، طلیعه تازگی را بشارت می دهد. عمو نوروز با آن چرده سیاهش هم به مهمانی برف های سفید و آب شده دعوت می شود و حال اگر خوب گوش بسپاری، این روزها همه کائنات در جشن تولد دوباره زمین، به رقصی موزون و هماهنگ درآمده اند.

بهار و نوروز باستانی با حافظه تاریخی ما فارسی زبانان گره خورده است. دیرسالیانی است که این جشن شیرین و کهنه با تاروپود فرهنگ پارسی گویان درآمیخته و پاسداشت این سنت پرقدمت، نقش بی بدیلی در اتحاد و همدلی فارسی زبانان ایفا کرده است.

نوروز تنها به معنای آغاز سالی تازه نیست؛ این آیین کهن، به مثابه جشن فارسی زبانان و نماد هویت گویش ورانی است که زبان مادری شان "فارسی" است.

جشن نوروز، بیش از سه هزار سال قدمت تاریخی دارد اما ثبت رسمی آن به عنوان یک جشن ملی، به 538 سال قبل از میلاد برمی گردد. یعنی در زمانی که کوروش دوم، یکی از پادشاهان سلسله هخامنشی، بسیاری از زندانیان و محکومان جنگی را در این روز ملی، مورد عفو و بخشش قرار داد.

بي شك، خاستگاه اصلي این جشن فراملي، در دل خاك ایران پرگهر بوده است و از زمان سلسله هخامنشیان تا به امروز، نه تنها ایرانیان و فارسی زبانان، بلکه بسیاری از شهروندان آسیای میانه نیز از "نوروز" با شادباش و شکوه یاد می کنند.

در ایران و افغانستان، نوروز با آغاز سال جدید مصادف می شود اما در برخی دیگر از کشورهای همسایه، همچون آذربایجان و تاجیکستان، اولین روز از فصل بهار، آغاز سال جدید نیست اما جشنی ملی و فاخر است.

در جشن نوروز، خانه تکانی، عیدی دادن و چیدن سفره هفت سین، پای ثابت مراسم های این روز فرخنده است اما یکی از آیین های بسیار نیکویی که در ایام نوروز برگزار می شود و به کرات نیز مورد توجه دین مبین اسلام قرار دارد، سنت "صله رحم" است.

در همین مجال، حدیث گران سنگی از پیامبر اکرم(ص) در جلد چهارم کتاب کافی در صفحه 10 نقل شده است که اهمیت صله رحم را بیش از پیش آشکار می سازد.

پیامبر مکرم اسلام (ص) می فرمایند: صدقه دادن 10 حسنه، قرض دادن 18 حسنه، رابطه با برادران (دینی) 20 حسنه و صله رحم 24 حسنه دارد.

چنین بذل و توجه ویژه ای به "صله رحم" که حتی پیامبر اکرم(ص)، آن را بالاتر از ثواب صدقه دادن دانسته، به فراست مبین آن است که اجرای این سنت نیکو در ایام نوروز تا چه میزان با دستورات الهی و اسلامی، مطابقت دارد.

در همین راستا، آیت الله مکارم شیرازی از مراجع عظام تقلید هم در خصوص رابطه اسلام و نوروز عنوان کردند: اگر عید نوروز جنبه خرافی به خود بگیرد، مورد تایید اسلام نیست اما اگر به دور از خرافات باشد و جنبه های مثبت آن از جمله نظافت، خانه تکانی، کمک به ایتم، صله رحم، دوستی بیشتر مردم با هم و ... تقویت شود، عید نوروزی خواهد شد که نه تنها اسلام مخالف آن نیست، بلکه آن را تبلیغ می کند.

در دنیای شعر و ادبیات ایران نیز، نوروز قدمتی طولانی دارد و از سعدی و حافظ بزرگ گرفته تا "شهریار" معاصر ما، در گوشه ای از اشعارشان به نوعی از نوروز و فحوای نیکوی آن سخن به میان آورده اند.

خواجه حافظ شیرازی، بوی خوش نوروز و کوی یار را این گونه در هم می آمیزد:

از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نروزی

سعدی نیز با هنرمندی بی‌مثال، بوی دوستان و باد نروز را این گونه در تاروپود یکدیگر می‌گنجاند:

خوش آمد باد نروزی به صبح از باغ پیروزی

به بوی دوستان ماند نه بوی بوستان دارد

شهریار هم در توصیف سحرآمیز "نروز" می‌گوید:

نروز می‌نوازد روح از نسیم اسحار

خورشید می‌درخشد بر چشمه های کھسار

ابوالقاسم حالت، یکی از نویسندگان بزرگ معاصر هم از نروز و وصف رویایی اش غافل نمانده و در مجموعه "عمو نروز" می‌گوید:

"رفقا خاطر خود شاد بدارید و ره غم مسپارید و گل و لاله بیارید و به هر سو بگذارید که یک بار دگر فصل بهار آمد و نروز درآمد ز در و کرد طبیعت هنر و ابر برآورد سر و ریخت زباران گهر و سبز شد از نو شجر و داد نوید ثمر و گشت جنان جلوه‌گر و یافت جهان زیب و فر و لطف و صفایی دگر و کرد غم از دل به در و می‌دهدت باد بهاری، خبر از طی شدن فصل زمستان که کنی ترک شبستان."

"و تو هم چون گل خندان بزنی خیمه به بستان و ببینی که گلستان زگل و لاله و ریحان و ز باریدن باران شده چون روضه‌ی رضوان. همه پرلاله‌ی نعمان، همه پر نرگس فتان، همه پر گوهر و مرجان. غرض ای نور دل و جان منشین زار و پریشان که شوی سخت پشیمان، چو دهی فرصت عیش و طرب از دست درین فصل دل‌انگیز و فرح‌زا که صفا داده به هر باغ و به هر راغ و چنان ساحت فردوس برین کرده جهان را."

دکتر علی شریعتی، نویسنده سرشناس ایرانی نیز در مجموعه "فلسفه نروز" این جشن سنتی را تجدید خاطره خویشاوندی انسان و طبیعت می‌داند.

"نروز، تجدید خاطره بزرگی است. خاطره خویشاوندی انسان با طبیعت. هر سال، این فرزند فراموشکار که سرگرم کارهای مصنوعی و ساخته‌های پیچیده خود است، مادر خویش را از یاد می‌برد."

"انسان با یادآوری‌های وسوسه‌آمیز نروز، به دامن وی(مادر طبیعت) باز می‌گردد و با او، این بازگشت و تجدید دیدار را جشن می‌گیرد. فرزند، در دامن مادر، خود را بازمی‌یابد و مادر، در کنار فرزند، چهره‌اش از شادی می‌شکفت، اشک شوق می‌بارد، فریادهای شادی می‌کشد؛ جوان می‌شود، حیات دوباره می‌گیرد. با دیدار یوسفش بینا و بیدار می‌شود."

از سوی دیگر، در کتاب آسمانی مسلمانان نیز بارها بر زنده شدن دوباره طبیعت اشاره شده و پروردگار از مومنان می‌خواهد که با تامل در این نشانه بزرگ الهی، ذات اقدس الهی را به خاطر آورند.

در آیه 17 سوره مبارکه حدید، آمده است: بدانید که زمین را خدا پس از مرگ زنده می‌گرداند. ما آیات و ادله قدرت خود را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل به کار بیندید.

در حقیقت، فارسی زبانان گوشه و کنار جهان، نه تنها این زنده شدن دوباره طبیعت را با تفکر و تعقل دریافته اند، بلکه این حیات دوباره و نعمت هرساله ی باریتعالی را نیز در قالب جشن "نروز"، گرامی می‌دارند.

